

شعر است و لیکن باینجه آوردن شیخ البرقبرس  
واعتماد کردن بر آن کافی است چه شیخ البرقبرس در علم  
و شهرت و باطن عقلی نداشت **و چون لغت نیا از لغت**  
پس بیان عالم بجز درین روز یعنی روز قیامت واقع شود  
بوجهیک در احادیث مستفیضه واقع است در استخراج نموده  
شده است از احادیث کثیره بعضی حالات از بعضی  
و بعضی از بعضی جمع کرده شده است پس بنویسند  
تقریباً از سیراقیل نفع کن هم در همان بجزند احیای ناطق  
بعضی نطق کنند **بالحمد لله** و بعضی نطق کنند سبحان الله  
من حیثاً تا بعد امانتاً شیخ البرقبرس میفرماید  
بهر ناطق نطق کن بقدر علم خود بدان چیز که درین حال بر آن  
و در انوش خواهر کرده که برینج بود و هر یک که خیال خواهر  
آن حال که بود درینج بود و خواب چنانچه مستقیماً

احوال

احوال خواب خود یا دکن و کسی که می رود درینج رود و بنام  
که دنیا خواب بود و لا یبدرش دم و در آخرت بر جای اعتقاد  
خواهر کرده دنیا و برینج هر دو خواب بودند و ایشان **خواب**  
بروز حشر که دنیا خواب بود بعد از آنکه منتقل برینج شود  
و برینج بآن مانده که کسی خواب می بیند که پیدایش و نشأ  
آخرت نقطه حقیقی است درین نشأ اهل تسامع است را  
خواب نیست و اهل نارا که خواب خوابند آمدن است  
اهل دوزخ است اعزاز با الله بنما و بعد از بعثت کشیده  
بجهره و گردانیده شود درین مثل اویم و آسمان ما منشی  
و حشر کرده شوند و حشرش جواریات و نازل شوند ملائکه  
از آسمان و صف بندند و بیایند و نطق از غم **بگردد**  
آنک را رب در نطق غم واقع است در احادیث صحیح  
در قرآن هم واقع است **و جاهد ربانی و اللیلک**

در بیان احوال برینج

در بیان احوال برینج  
اهل نارا